

مقدمه

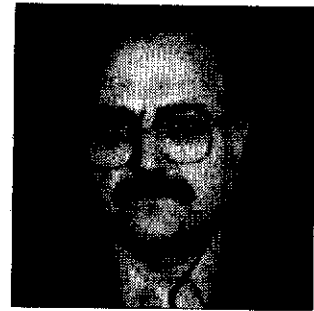
۱. پس از حمله آمریکا به عراق که در آوریل ۲۰۰۳ (فروردین ۱۳۸۲) انجام شد، سنای آمریکا، کمیته‌ای منتخب را مامور ارزیابی اطلاعاتی کرد که بوش بر پایه آن اطلاعات، حمله به عراق را ترتیب داد. این کمیته در جون ۲۰۰۳ (خرداد ۱۳۸۲) تشکیل شد و تحقیقات خود را آغاز کرد.
۲. این کمیته تاکنون، دو گزارش از یافته‌های خود را منتشر کرده است. گزارش اول در ۹ جولای ۲۰۰۴ (۱۸ تیر ۱۳۸۳) و گزارش دوم در می ۲۰۰۷ (خرداد ۱۳۸۶) منتشر شده‌اند.
۳. گزارش اول با ملحقات و ضمیمه خود ۵۹ صفحه و گزارش دوم ۲۶۶ صفحه است. در هر دوی این گزارش‌ها که در سایت سنای آمریکا قابل دسترسی است، مواردی که مربوط به منافع ملی آمریکا یا مافوق منافع احزاب هیات حاکمه آمریکا هستند، پاک شده‌اند. گزارش دوم که بسیار با اهمیت‌تر است پس از این که دموکرات‌های آمریکا در سنا به اکثریت رسیدند، امکان انتشار یافت تا یک مبارزه جناحی در آمریکا را هم به پیش برد و تخلف‌های دستگاه بوش را عیان سازد.
۴. گزارش اول، منابع اطلاعاتی آمریکا در مورد وجود سلاح کشتار جمعی در عراق (سلاح شیمیایی، بیولوژیکی و هسته‌ای)، ارتباط عراق با تروریسم، تهدید امنیت منطقه و نقض حقوق بشر و معامله اورانیوم عراق - نیجریه را مورد مطالعه و ارزیابی قرار داده است.
۵. گزارش دوم، ارزیابی اطلاعاتی سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا (قبل از حمله) در مورد پیش‌بینی تحولاتی که پس از سقوط صدام حسین به وقوع خواهد پیوست یا احتمال وقوع آن‌ها وجود خواهد داشت، مورد توجه و مطالعه قرار داده است.
۶. در گزارش اول، مقامات آمریکا برای کمیته منتخب سنا در مرحله اول ۱۹ جلد (حدود ۱۵ هزار نسخه) سند و مدرک ارائه می‌دهد و کمیته پس از یک سال کار، یک‌صد سوال طرح می‌کند و تقاضای مدارک بیشتری می‌نماید، مقامات اطلاعاتی آمریکا به منظور پاسخ به این سوالات، ۳۰ هزار صفحه جدید ارائه می‌دهند. با این وجود، کمیته منتخب تقاضای در اختیار داشتن خلاصه مطالب روزانه تهیه شده برای رییس‌جمهور (Presidential Daily Briefs) در مورد سلاح کشتار جمعی و ارتباط عراق با تروریسم را مطرح می‌کند؛ این تقاضا از طرف کاخ سفید پذیرفته نمی‌شود. کمیته اعلام می‌کند که بدون مطالعه این مدارک، قادر به ارزیابی قضاوت مقامات اطلاعاتی و ارائه آن به سیاست‌سازان اجرایی نخواهد بود.
۷. کمیته منتخب چهار گزارش شفاهی مقامات اطلاعاتی آمریکا در مورد ارتباط عراق - نیجریه، بازرسان سیا و وزارت خارجه در مورد این ارتباط، تاریخ و تداوم ارزیابی مربوط به سلاح کشتار جمعی عراق و اطلاعات قبل از جنگ را ارزیابی کرده است.
۸. در مورد توانایی صدام در ساخت سلاح کشتار جمعی، کمیته منتخب تمرکز بیشتری مینماید و روی گزارش اکتبر ۲۰۰۲ (مهر ۱۳۸۱) که تحت نام "تخمین اطلاعات ملی" (National Intelligence Estimate) تهیه شده بود و "تداوم برنامه عراق برای سلاح کشتار جمعی" نامیده می‌شد، تمرکز کرد. "تخمین اطلاعات ملی" معمولاً گزارش‌های اطلاعاتی است که توسط قدرتمندترین بخش جامعه اطلاعاتی آمریکا در مورد مسائل امنیتی تدوین می‌شود.

ارزیابی کمیته منتخب سنا در مورد قضاوت‌های اطلاعاتی گزارش اول:

۹. سلاح کشتار جمعی

نتیجه‌گیری کمیته منتخب در مورد اطلاعات و تحلیل آن‌ها در مورد سلاح کشتار جمعی در عراق به شرح زیر است:

- ۹.۱. اکثر قضاوت‌های "تخمین اطلاعات ملی" در گزارش اکتبر ۲۰۰۲ در مورد سلاح کشتار جمعی عراق، اغراق آمیز بوده و یا از تایید گزارش‌های اطلاعاتی گذشته برخوردار نبوده‌اند.
- ۹.۲. جامعه اطلاعاتی آمریکا از این پیش‌فرض رنج می‌برده که عراق یک برنامه فعال در حال رشد در مورد سلاح کشتار جمعی دارد و شواهد مربوط به عکس آن پیش‌فرض‌ها را نادیده گرفته و یا به حداقل کاهش داده است. این پیش‌فرض آن قدر قوی بوده که مکانیسم‌های معمولی مربوط به چالش فرضیات را نادیده گرفته است.
- ۹.۳. در موارد مهمی که ارزیابی بر پایه قضاوت‌های گذشته استوار بوده، "تخمین اطلاعات ملی"، اطلاعات گذشته را می‌پوشانده، بدون این که عدم قطعیت قضاوت‌های قبلی را بررسی کند.



ارزیابی سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا قبل از حمله به عراق گزارش منتخب اطلاعاتی سنای آمریکا ترجمه و تلخیص: محمدحسین رفیعی

۹.۴. مدیریت جامعه اطلاعاتی در سراسر رهبری زنجیری خود، بر کار گردآوران و تحلیلگران اطلاعات نظارت نمی کرده است. آن‌ها [مدیریت] تحلیلگران را برای به چالش کشیدن فرضیاتشان تشویق نمی کرده‌اند تا استدلال‌های مغایر را نیز مورد ملاحظه قرار دهند، گزارش‌های اطلاعاتی را دقیقاً هویت‌شناسی کنند و یا با تحلیلگرانی که هدف خود را رها کرده‌اند، مشورت کنند.

۹.۵. کمبود نیروی انسانی در جامعه اطلاعاتی در موارد متضاد با فعالیت‌های سلاح کشتار جمعی عراق، مشهود است. مشخصاً، جامعه اطلاعاتی بعد از ۱۹۹۸ هیچ منبعی که اطلاعات متضاد را جمع‌آوری کند نداشته است. اکثر، اگر نه همه، این مشکلات از فرهنگ عدم همکاری و فقر مدیریت ناشی شده است که به دلیل عدم تامین بودجه و پرسنل، حل نشده‌اند.

۹.۶. سیاه، در موارد متعدد مهمی، از موقعیت انحصاری خود در جامعه اطلاعاتی سوءاستفاده کرده است. مخصوصاً، تحت عنوان اطلاعات مشترک به تحلیل قبل از جنگ جامعه اطلاعاتی در مورد سلاح کشتار جمعی عراق، زبان وارد کرده است. ارتباط عراق با تروریسم

کمیته منتخب در مورد رابطه صدام حسین با تروریسم چنین نتیجه‌گیری کرده است:

۱۰.۱. تحلیلگران جامعه اطلاعاتی بعد از ۱۱ سپتامبر فاقد یک رویکرد ثابتی در رابطه با گزارش‌ها و تحلیل‌های تهدیدهای تروریستی بوده‌اند.

۱۰.۲. سیاست‌های حفاظت از منابع در جامعه اطلاعاتی، مسؤلان گزارش‌ها را تشویق می‌کرده جزئیات مربوط به طبیعت منابعشان را حذف کنند. در نتیجه، تحلیلگران قادر نبوده‌اند قضاوت کاملی درباره اطلاعات دریافت شده داشته باشند و مجبور بوده‌اند به جای کانال‌های منابع، به ارزیابی خودشان متکی باشند. علاوه بر آن، اطلاعات عملیاتی مربوطه، تقریباً همیشه از تحلیلگران مضایقه شده است.

۱۰.۳. جامعه اطلاعاتی آمریکا بیش از حد به سرویس‌های اطلاعاتی حکومت‌های خارجی متکی بوده و در نتیجه شریطی فراهم آمده که سیاست آمریکا بالقوه بیش از پیش توسط منافع خارجی، هدایت شود.

۱۱. نیجریه

۱۱.۱. در ۱۵ اکتبر ۲۰۰۱ (مهر ۱۳۸۰) سیا بر پایه گزارش سرویس‌های اطلاعاتی یک کشور خارجی، گزارشی تهیه کرد که موافقتی بین نیجریه و عراق

در مورد فروش "یک زرد" انجام شده است. از این تاریخ جامعه اطلاعاتی آمریکا به طور وسیع مشغول جمع‌آوری اطلاعات در این مورد شد. گزارش‌ها حکایت از این داشت که اس-تخراج اورانیوم نی-جریه توسط یک کنسرسیوم فرانسوی به دقت کنترل می‌شود و احتمال این معامله وجود ندارد. در ۲۰ نوامبر ۲۰۰۱ (۲۹ آبان ۱۳۸۰) رئیس فرانسوی کنسرسیوم فوق‌الذکر با صراحت به سفیر آمریکا در نیجریه گفته بود: "هیچ امکانی جهت انتقال ۳۰۰ تن یک زرد تولیدی در دو معدن، توسط حکومت نیجریه وجود ندارد." وزیر انرژی و معدن وقت نیجریه به مقامات اطلاعاتی گفته بود که از اواسط دهه ۱۹۸۰ هیچ فروشی خارج از اطلاع آژانس بین‌المللی انرژی اتمی انجام نشده است.

در ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۲ (۲ مهر ۱۳۸۱) دولت انگلیس با انتشار کتاب سفید در مورد سلاح کشتار جمعی عراق اعلام کرد: اطلاعاتی وجود دارد که بر اساس آن عراق در جستجوی تهیه مقدار کافی اورانیوم از آفریقا بوده است. "در ۴ اکتبر ۲۰۰۲ (۱۰ مهر ۱۳۸۱) شورای امنیت ملی، NSC، پیش‌نویس نطق رئیس‌جمهور را که باید در اوهایو ایراد می‌شد، تهیه کرد. در این سخنرانی آمده بود: "رژیم عراق در صدد بوده است ۵۰۰ تن اکسید اورانیوم از آفریقا خریداری کند، چیزی که برای فرآیند غنی‌سازی اساسی است." در ۱۹ اکتبر ۲۰۰۲ (۱۷ مهر ۱۳۸۱) یک روزنامه‌نگار ایتالیایی مجله پانوراما مدرکی به سفارت آمریکا در رم داد که به معامله اورانیوم بین عراق و نیجریه مربوط می‌شد. بعداً این مدرک به آژانس انرژی اتمی تحویل داده شد و ثابت شد که جعلی است.

در ۱۸ دسامبر ۲۰۰۲ وزارت خارجه آمریکا در تدارک جواب به اظهارات ۷ دسامبر ۲۰۰۲ (۱۶ آذر ۱۳۸۱) عراق مبنی بر عدم فعالیت هسته‌ای آن کشور به سازمان ملل، بوده است. این جواب پس از مشورت‌های متعدد مقامات اطلاعاتی و وزارت خارجه آمریکا تهیه می‌شود و در آن به جای نیجریه، آفریقا به عنوان محل تامین اورانیوم عراق ذکر می‌شود؛ نگرهبونته، نماینده آمریکا در سازمان ملل به این مورد در نطق خود اشاره می‌کند متن سخنرانی بعداً منتشر می‌شود. در ۲۴ دسامبر ۲۰۰۲ (۳ دی ماه ۱۳۸۱) نخست‌وزیر نیجریه علناً اعلام کرد از سال ۲۰۰۰ که نخست‌وزیر شده است هیچ اورانیومی به عراق فروخته نشده و اصلاً چنین موضوعی مطرح نبوده است. رئیس‌جمهور و وزیر معادن نیجریه

هم منکر چنین معامله‌ای شدند. در ۶ ژانویه ۲۰۰۳ (۱۶ دی ۱۳۸۲) آژانس انرژی اتمی درخواست کرد اطلاعات مربوط به معامله اورانیوم عراق-نیجریه را که در بیانیه وزارت خارجه آمریکا آمده بود، در اختیار داشته باشد. در ۱۳ ژانویه ۲۰۰۳ (۲۳ دی ۱۳۸۲) تحلیلگر مساله هسته‌ای عراق در دفتر اطلاعات و تحقیق وزارت خارجه آمریکا، INR، با ارسال Email به تحلیلگران متعددی از جامعه اطلاعاتی آمریکا اعلام کرد که: "موافقت‌نامه معامله اورانیوم عراق احتمالاً یک شوخی فریب‌آمیز است." نامبرده ضمن توضیح جعلی بودن مدارک در پایان Email خود تأکید می‌کند که: "موافقت‌نامه خرید اورانیوم عراق واضحاً جعلی است." در ۲۰ ژانویه ۲۰۰۳ (۳۰ دی ۱۳۸۲) رئیس‌جمهور آمریکا در گزارش خود به کنگره اعلام کرد: "عراق می‌کوشد که اورانیوم به دست آورد و آن را غنی سازد." جامعه اطلاعاتی آمریکا به کمیته منتخب سنا گفته است در تنظیم این سخنرانی رئیس‌جمهور نقشی نداشته است.

در ۲۶ ژانویه ۲۰۰۳ (۶ بهمن ۱۳۸۲) وزیر خارجه آمریکا، پاول، در اجلاس اقتصاد جهانی در داووس گفت: "چرا هنوز عراق کوشش می‌کند تا اورانیوم و تجهیزات ویژه به دست آورد تا آن را به موادی برای سلاح هسته‌ای تبدیل کند؟"

در سوم مارس ۲۰۰۳ (۱۳ اسفند ۱۳۸۲) آژانس انرژی اتمی نتیجه گرفت که مدارک فراهم شده از طرف آمریکا جعلی بوده و این ارزیابی را تقویت نمی‌کند که عراق از نیجریه اورانیوم خریده باشد.

۱۱.۲. کمیته منتخب سنا چنین نتیجه‌گیری می‌کند: "وقتی در مارچ ۲۰۰۲ (اسفند ۱۳۸۱) گزارش جعلی بودن آن مدرک خارجی در مورد معامله عراق-نیجریه منتشر شد، اطلاعات این گزارش گویی گزارش اصلی سیا را در مورد تحقق معامله موقت‌تر کرد؛ در حالی که تحلیلگران دفتر اطلاعات و تحقیق وزارت خارجه معتقد بودند این گزارش ارزیابی آن‌ها را که احتمال معامله عراق با نیجریه غیرمحتمل است تقویت کرده است."

۱۱.۳. کمیته منتخب سنا نتیجه‌گیری می‌کند: "سیا باید به معاون ریاست‌جمهوری و سایر سیاست‌سازان ارشد آمریکایی می‌گفت که سفیر سابق آمریکا در نیجریه را به منظور تحقیق در مورد معامله اورانیوم عراق-نیجریه به آن کشور فرستاده‌اند و یافته‌ها چه بوده‌اند."

۱۱.۴. کمیته منتخب می‌نویسد: "لحن گزارش اکتبر ۲۰۰۲ (مهر ۱۳۸۱) تخمین اطلاعات ملی" که بر

اساس آن عراق شیدنا کوشش می کند سنگ معدن و یک زرد لورانیوم به دست آورد نسبت به اطلاعات جامعه اطلاعاتی آمریکا، اغراق آمیز بوده است.^{۱۱.۵} هنگامی که گزارش مربوط به معامله عراق - نیجریه در اکتبر ۲۰۰۲ در دسترس قرار گرفته، سیا باید می کوشید نسخه‌ای از آن را به دست آورد، در حالی که در آن زمان تحلیلگران هسته‌ای عراق در سیا به تدوین گزارش‌های خود با این مضمون که عراق در صدد کسب اورانیوم است ادامه می‌دادند و این گزارش‌ها را برای انتشار و استفاده در سخنرانی‌های شخصیت‌های کاخ سفید می‌فرستادند.

۱۲. نتیجه‌گیری در مورد سلاح هسته‌ای عراق کمیته پس از بررسی تمامی مدارک اطلاعاتی موجود به این نتیجه رسیده است:

۱۲.۱. قضاوت "تخمین اطلاعات ملی" در مورد این که عراق، برنامه‌های هسته‌ای خود را تجدید بنا می‌کند، با اطلاعات همخوانی نداشته و اطلاعات آن را تایید نمی‌کرده است. کمیته با دفتر اطلاعات و تحقیق وزارت خارجه (INR) که نظر دیگری داشته هم عقیده است که اطلاعات موجود تحلیلگران "تخمین اطلاعات ملی" را "مجبور نمی‌کرده است اظهار دارند که عراق برنامه‌های هسته‌ای خود را تجدید بنا می‌کند".

۱۲.۲. ارزیابی "تخمین اطلاعات ملی" در مورد زمان شروع تجدید بنای برنامه‌های هسته‌ای عراق ناروشن و گیج‌کننده است.

۱۲.۳. ادعای کوشش عراق برای خرید لوله‌های مقاوم آلومینیومی، مدارک موجود کمیته را به این نتیجه رسانده که لوله‌های فوق‌الذکر مورد استفاده برنامه‌های راکت‌های معمولی عراق بوده‌اند، نه برنامه‌های هسته‌ای آن.

۱۲.۴. ارزیابی سیا در ۲ جولای ۲۰۰۱ (۹ تیر ۱۳۸۰) که ابعاد لوله‌های آلومینیوم همان‌هایی هستند که او دهه ۱۹۵۰ برای سانتریفوژهای گازی به کار می‌روند و آن‌ها را سانتریفوژهای Zippe می‌گویند غلط بوده است. چنین اطلاعاتی بارها توسط سیا در یک سال و نیم بعد از آن در گزارشات "تخمین اطلاعات ملی" و آژانس اطلاعات دفاعی تکرار شده است.

۱۲.۵. گزارش‌های اطلاعاتی مبنی بر آن که اولویت صدام برنامه هسته‌ای بوده غلط بوده است.

۱۲.۶. عبارت "تعداد زیادی پرسنل برای تولید مگنت‌های جدید قبل از جنگ خلیج [فارس] برای برنامه سانتریفوژها کار می‌کرده‌اند" که در گزارش

تخمین اطلاعات ملی" آمده غلط بوده است.

۱۳. سلاح بیولوژیکی عراق نتیجه‌گیری کمیته منتخب سنا در مورد سلاح بیولوژیکی عراق به شرح زیر است:

۱۳.۱. ارزیابی "تخمین اطلاعات ملی" در اکتبر ۲۰۰۲ مبنی بر آن که "قضاوت ما در مورد موارد کلیدی - تحقیق و توسعه و تولید سلاح - این است که برنامه‌های سلاح تهاجمی بیولوژیکی عراق فعال هستند و مهم‌ترین عناصر آن قوی‌تر و پیشرفته‌تر از قبل از جنگ خلیج [فارس] هستند" مورد تایید اطلاعات فراهم شده برای کمیته نیست.

۱۳.۲. ارزیابی گزارش "تخمین اطلاعات ملی" در اکتبر ۲۰۰۲ مبنی بر آن که "بغداد سلاح بیولوژیکی دارد، اغراق آمیز بوده است. این گزارش مواردی که عدم قطعیت این قضاوت را بیان می‌کرده‌اند توضیح نداده است.

۱۳.۳. ارزیابی گزارش "تخمین اطلاعات ملی" مبنی بر آن که "بغداد تسهیلات متحرک برای تولید سلاح بیولوژیکی باکتری و سمی دارد اغراق آمیز کردن اطلاعات بوده و موارد نقض آن بیان نشده‌اند.

۱۳.۴. این قضاوت اصلی در گزارش "تخمین اطلاعات ملی" که "احتمالات زیادی وجود دارد که میکروپ آبسه (Smallpox) بخشی از برنامه سلاح بیولوژیکی عراق است" با اطلاعات فراهم شده برای کمیته، تایید نشده است.

۱۳.۵. "تخمین اطلاعات ملی"، ارزیابی غلطی را از توانایی تحقیقات بیولوژیکی عراق در سال ۱۹۹۹ به کمیسیون ویژه سازمان ملل (UNSCOM) داده است.

۱۳.۶. این عبارت در قضاوت کلیدی گزارش "تخمین اطلاعات ملی" که "عراق، احتمالا عوامل پیشرفته سلاح بیولوژیکی مهندسی ژنتیکی را در اختیار دارد". اغراق آمیز کردن گزارش‌های اطلاعاتی و ارزیابی تحلیلگران بوده است.

۱۴. سلاح شیمیایی

۱۴.۱. عبارت کلیدی در گزارش اکتبر ۲۰۰۲ "تخمین اطلاعات ملی" در مورد سلاح کشتار جمعی عراق که می‌گوید "بغداد سلاح شیمیایی دارد..."، اغراق آمیز بوده است.

۱۴.۲. در گزارش فوق‌الذکر آمده است که "عراق برای تولید سلاح شیمیایی، صنایع شیمیایی خود را توسعه می‌دهد؛ در این گزاره هم در مورد توسعه صنایع شیمیایی عراق و هم در مورد تحلیل اطلاعات مربوطه اغراق شده است.

۱۴.۳. در گزارش فوق‌الذکر تصریح نشده است

که قضاوت‌ها بر پایه گزارش‌های اطلاعاتی نبوده‌اند، بلکه بر پایه تحلیل حقوق دانان از گزارش‌های اطلاعاتی تدوین شده‌اند.

۱۴.۴. ارزیابی جامعه اطلاعاتی که "صدام احتمالا حداقل صد تن و شاید بیش از ۵۰۰ تن عوامل سلاح شیمیایی - که بیشتر آن را سال گذشته فراهم کرده - ذخیره کرده است"، یک قضاوت تحلیلی و نه بر پایه گزارشات اطلاعاتی بوده است.

۱۴.۵. ارزیابی "تخمین اطلاعات ملی" مبنی بر آن که "بغداد مخفیانه انواع قابل ملاحظه‌ای از مواد شیمیایی و تجهیزات کافی فراهم کرده تا بتواند تولید سلاح شیمیایی را در واحدهای صنایع شیمیایی خود مخفی کند"، توسط اطلاعات فراهم شده برای کمیته منتخب سنا تایید نشده است.

۱۵. صنایع موشکی

۱۵.۱. این قضاوت جامعه اطلاعاتی که عراق در حال تولید هوپیمای بلون سرنشین احتمالا برای حمل سلاح بیولوژیکی "است هم به لحاظ واقعیت و هم به لحاظ تجزیه و تحلیل اطلاعات اغراق آمیز بوده است. پاورقی نیروی هوایی بر این قضاوت که اضافه می‌کند: "حمل سلاح بیولوژیکی یک احتمال، هر چند بعید است" واقعیت گزارش اطلاعاتی را دقیق‌تر منعکس می‌کند.

۱۵.۲. علاوه بر پاورقی نیروی هوایی، جامعه اطلاعاتی در مورد هوپیمای بلون سرنشین معمولی عراق بحث نکرده، در حالی که اکثر تحلیلگران معتقد بوده‌اند عراق در مراحل اولیه دستیابی به این تکنولوژی است.

۱۵.۳. این ارزیابی جامعه اطلاعاتی که عراق نرم‌افزار ویژه اناره نقشه‌کشی آمریکا برای هوپیمای بلون سرنشین را به دست آورده و قویا تاکید می‌شود که عراق در جستجوی به کار بردن این هوپیمای بلون سرنشین برای حمله به آمریکا است، توسط اطلاعات فراهم شده برای کمیته تایید نشده است.

۱۶. اطلاعات فراهم شده برای آقای پاول (وزیر امور خارجه آمریکا)

۱۶.۱. اکثر اطلاعات فراهم شده برای آقای پاول، وزیر امور خارجه، که توسط سیا فراهم یا تایید شده، اغراق آمیز، گمراه‌کننده یا غلط بوده‌اند.

۱۶.۲. بعضی از اطلاعات فراهم شده توسط سیا برای سخنرانی آقای پاول که مورد استفاده واقع نشده‌اند هم غلط بوده‌اند. چنین اطلاعاتی هرگز نباید برای یک سخنرانی عمومی فراهم شوند.

۱۶.۳. آژانس ملی نقشه‌کشی و تصویرسازی (Imagery and Mapping Agency)

(National) باید به آقای پاول آگاهی می‌داد که در مفهوم آنچه در نوامبر ۲۰۰۲ در مرکز تهیه سرم و واکسن امپریه عراق دیده شده، در آژانس ملی نقشه‌کشی و تصویرسازی اختلاف نظر وجود دارد. این آژانس باید مکانیسمی برای ارزیابی موارد اختلافی تجزیه و تحلیل داشته باشد.

۱۷. جمع‌آوری اطلاعات مربوط به سلاح کشتار جمعی

۱۷.۱. جامعه اطلاعاتی، بیش از حد به اطلاعات بازرسان سازمان ملل در مورد برنامه‌های سلاح کشتار جمعی عراق متکی بوده و هیچ کوششی نکرده تا این اطلاعات یک جانبه را توسط اطلاعات تکمیلی تأیید کند تا پس از خروج بازرسان سازمان ملل، جایگاهی برای خود داشته باشد.

۱۷.۲. سیا، حساسیت بسیار کمی به گزارش‌های اطلاعات انسانی داشته و در سهیم کردن سایر تحلیلگران دستگاه‌های اطلاعاتی که به این اطلاعات مهم نیاز داشته‌اند، موفق نبوده است.

۱۸. پیوند با تروریسم

۱۸.۱. ارزیابی سیا در مورد این که صدام حسین به احتمال زیاد سرویس‌های عملیاتی اطلاعاتی خود را به خدمت خواهد گرفت تا حملات را اداره کند منطقی به نظر می‌رسد و صحت آن اثبات شده است.

۱۸.۲. ارزیابی سیا که عراق پیوندهایی با گروه‌های سکولار فلسطینی و مجاهدین خلق داشته تأیید شده است.

۱۸.۳. کوشش سیا در مورد تماس، آموزش، پناه دادن و همکاری عملیاتی به عنوان شاخص‌هایی از ارتباط احتمالی عراق - القاعده، یک رویکرد منطقی و عینی به این پرسش بوده است.

۱۸.۴. ارزیابی سیا مبنی بر آن که در سراسر دهه ۱۹۹۰ در موارد متعدد، تماس‌هایی بین عراق و القاعده برقرار بوده، ولی این تماس‌ها منجر به یک رابطه پایدار رسمی نشده منطقی بوده است.

۱۸.۵. این ارزیابی سیا منطقی و عینی بوده است که عراق از تروریسم حمایت می‌کند، ولی مساله‌سازترین بخش آن تربیت القاعده در عراق برای به کار بردن سلاح‌های غیرمتعارف مخصوصاً سلاح شیمیایی و میکروبی بوده است [یعنی دروغ بوده است].

۱۸.۶. ارزیابی سیا در مورد پناه دادن القاعده و یا نیروهای عملیاتی در بغداد و شمال شرق عراق در منطقه تحت کنترل کردها منطقی بوده است.

۱۸.۷. هیچ اطلاعاتی به دست نیامده که بر اساس

آن صدام کوشیده باشد القاعده را در حملات تروریستی به خدمت گیرد. هر چند قضاوت سیا در این که اگر صدام حسین می‌تواند، ممکن است تروریست‌های جهانی - القاعده - را به منظور حملات تروریستی استخدام کند منطقی است. ۱۸.۸. علیرغم چهار دهه گزارش در مورد عراق، اطلاعات مفید بسیار کمی وجود داشت که به تحلیلگران کمک کند احتمال ارتباط رژیم عراق با القاعده را بررسی کنند.

۱۹. تهدید پایداری و امنیت منطقه توسط عراق

۱۹.۱. جامعه اطلاعاتی هیچ قدمی برای روشن کردن تغییرات تهدیدآمیز عراق در ثبات و امنیت منطقه بر نداشته و این واقعیت را به حساب نیلورده که نیروهای نظامی معمولی عراق به طور پیوسته پس از ۱۹۹۰، تخریب شده‌اند.

۱۹.۲. کمیت و کیفیت گزارش اطلاعات انسانی در مورد ثبات و امنیت منطقه، مخصوصاً در موضوع علائق رژیم بغداد، نقصان داشته و نیازهای سیاست‌سازان را برآورده نمی‌کرده است.

۱۹.۳. جامعه اطلاعاتی باید در سطح تخمین اطلاعات ملی در مورد تهدید عراق، قبل از عملیات آزاد سازی یک ارزیابی ارائه می‌داد. چنین مدرکی باید کلیه عوامل تهدیدآمیز عراق در ثبات و امنیت عراق را در یک جا و به شکل سیستماتیک، مشخص می‌کرد.

۲۰. حقوق بشر و صدام

۲۰.۱. در فاصله سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۳ مطالب اطلاعاتی مربوط به حقوق بشر در عراق محدود بوده اما یک توصیف درست از انواع بدرفتاری‌ها در رژیم صدام، فراهم شده بود. محدودیت تحلیل در این مورد، به علت مشکلات جمع‌آوری اطلاعات از داخل عراق و تقاضا برای جمع‌آوری منابعی که سایر اولویت‌ها را در بر می‌گرفته‌اند، معقول به نظر می‌رسد. آن اولویت‌هایی که با موضوع حقوق بشر رقابت می‌کرده‌اند عبارتند از: سلاح کشتار جمعی، تروریسم، پایداری رژیم و امنیت منطقه.

۲۰.۲. توسعه روش تحلیل سیستماتیک در جامعه اطلاعاتی - "روش موزاییکی" که در بالکن به سمت بی‌رحمی‌های اطلاعاتی رشد کرد - یک بدعت‌گذاری برای کسب فهم بهتر از شرایط حقوق بشر در عراق بود. محیط، صحنه خصومت و اندکار چنان بود که اکثر اطلاعات جمع‌آوری شده توسط سازمان‌ها، به موضوع حقوق بشر هدایت می‌شد.

۲۱. اطلاعات مشترک جامعه اطلاعاتی آمریکا و بازرسان سازمان ملل در مورد پایگاه‌های

سلاح کشتار جمعی

۲۱.۱. جامعه اطلاعاتی، در مورد پایگاه‌های سلاح کشتار جمعی عراق از نظر عملیاتی اطلاعات محدودی داشته است.

۲۱.۲. جامعه اطلاعاتی، قصد رهبران اجرایی آمریکا را در مورد سهیم کردن سازمان ملل در اطلاعات اجرا کرده است.

۲۱.۳. نظر عمومی مسئولان اجرایی مبنی بر آن که سیا اطلاعات مشترکی در مورد پایگاه‌های مشکوک عراق با بازرسان سازمان ملل دارد، حقیقتاً دروغ بوده است.

۲۱.۴. عقلانیت به کار گرفته شده از طرف سیا برای سهیم کردن سازمان ملل در اطلاعات، ذاتاً ذهنی، به لحاظ کاربردی متناقض و به خوبی مستند نبوده است.

۲۱.۵. لیست‌های متعدد جامعه اطلاعاتی در مورد سلاح پایگاه‌های کشتار جمعی عراق، فاقد اعتبار بوده است.

۲۲. نظرات مکمل اعضاء کمیته منتخب سنا
۲۲.۱. اهم نظرات رییس کمیته، Pat Robert،
همراه با سناتور Chris Topher S. Band
و سناتور Orrin G. Hatch که ممکن است

ارشد کاخ سفید، حمله نظامی علیه عراق را از طریق بیانات عمومی مطرح کرده بودند.

- در بعد از ظهر ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، چند ساعت بعد از برخورد هواپیما توسط تروریست‌های القاعده به ساختمان پنتاگون و کشته شدن ۱۸۴ نفر و سوختن ساختمان، وزیر دفاع، دونالد رامسفلد، تمرکز خود را بر این موضوع قرار داد که از این تحول ناگهانی به منظور حمله به رژیم عراق سوءاستفاده کند. طبق دست نوشته‌های کارمندان او، رامسفلد مردد بوده است که آیا این حمله به آمریکا اجازه خواهد داد که علاوه بر ا.ب.ل، ص.ح را نیز مورد حمله قرار دهد. حروف اول ص.ح مخفف صدام حسین و ا.ب.ل، مخفف اسامه بن لادن هستند.

- بر طبل جنگ کوبیدن عالی‌ترین سطوح حکومت و تکرار اغراق آمیز ارزیابی‌های جامعه اطلاعاتی توسط آن‌ها، در ماه‌هایی انجام گرفت که "تخمین اطلاعات ملی" تدوین می‌شد. نمونه‌هایی از این بزرگ‌نمایی‌ها عبارتند از:

- "به وضوح تایید شده است که محمد عطا، ریابنده هواپیما در واقعه ۱۱ سپتامبر، در اواخر آوریل، چندین ماه قبل از حمله، به پراگ رفته و با یک مقام عالی‌رتبه اطلاعاتی عراق در چکسلواکی ملاقات

وجود دارد مشخصاً در مورد این که صدام در مدت ۴۵ دقیقه می‌تواند سلاح شیمیایی و بیولوژیکی خود را به کار اندازد. اطلاعات جدیدی وجود دارد که صدام حسین کوشش می‌کند از کشورهای آفریقایی، اورانیوم به دست آورد" (وزیر مطبوعات، Fleischer، در کنفرانس مطبوعاتی، ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۲).

- نمی‌توان بین صدام و القاعده وق-تی در مورد جنگ با ترور سخن می‌گویند تفک-یکی قائل ش-د" (رییس جمهور بوش، ۲۵ سپتامبر ۲۰۰۲).
- "خطراتی که با آن روبرو هستیم و هر ماه بدتر از ماه قبل و هر سال بدتر از سال قبل می‌شود... و هر روز که می‌گذرد ممکن است روزی باشد که رژیم عراق Anthrax یا VX (گازهای عصبی) یا سلاح هسته‌ای در اختیار گروه‌های تروریستی قرار می‌دهد" (بوش، پیام رادیویی، ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۲).

این بیانات تند و قاطع قبل از آن که یک تحلیل اطلاعاتی معنی‌دار انجام شود به منظور تقویت تصمیم دستگاه بوش برای تغییر رژیم عراق، ایراد می‌شده است. علاوه بر این بر جامعه اطلاعاتی آمریکا فشار وارد می‌شده تا این

به فهم بهتر مطلب کمک کند، چنین است:
- شکی ندارم که موضوع آزاد سازی عراق ده‌ها سال مورد مناقشه و بحث خواهد بود.
- به طور خلاصه، ارزیابی‌های راهبردی قبل از جنگ جامعه اطلاعاتی آمریکا در مورد عراق غلط بوده و این گزارش در جستجوی چرایی این اتفاق است.

- کمیته اطلاعاتی سنا آمریکا در سال ۱۹۷۶ شکل گرفت و این، به دنبال ایجاد بحران اعتماد عمومی در آمریکا بود تا به کمک آن اعتماد عمومی به نهادهای حکومت از جمله نهادهای اطلاعاتی بازسازی شود. با کوشش وسیعی که انجام دادیم تا چیزی از دید ما پنهان نماند بسیار مشکل خواهد بود که اعتماد مردم آمریکا به کار ما جلب شده باشد.

۲۲.۲. نظرات معاون کمیته، John D. Rockefeller IV، سناتور
Carl Levin و سناتور Richard Durbin
که مهم‌ترین بخش آن‌ها از این قرار است:
- ارزیابی "تخمین اطلاعات ملی" [در اکتبر ۲۰۰۲] و تحلیل منارک مربوط به آن در مورد ارتباط عراق با تروریسم، توسط جامعه اطلاعاتی در شرایط اعمال فشاری شکل گرفت که مسئولان

کرده است" (دیک چینی، معاون رییس جمهور، کنفرانس مطبوعاتی، ۹ دسامبر ۲۰۰۱).

- اما، ما می‌دانیم که صدام کوشش‌های خود را برای کسب سلاح هسته‌ای از سر گرفته... خیلی از ما قانع شدیم که او خیلی زود به سلاح اتمی دست خواهد یافت" (دیک چینی، سخنرانی در صدوسومین پیمان ملی VFW، ۲۶ اوت ۲۰۰۲).

- "ما می‌دانیم، کشتی‌هایی به عراق رفته‌اند... به عنوان مثال لوله‌های آلومینیومی که فقط برای ابزار آلومینیومی با کیفیت بالا و برنامه‌های هسته‌ای مناسب هستند برنامه‌های ساترفیوژ" (خانم رایس، مشاور امنیت ملی، ۸ سپتامبر ۲۰۰۲).

- [صدام حسین] با عباراتی مبهم گفته است که سلاح کشتار جمعی را بر علیه آمریکا به کار خواهد برد. در زمان حال، او انبارهایی از سلاح شیمی-ایی و بیولوژی-کی دارد و درصدد کسب سلاح هسته‌ای است" (رامسلفلد، قبل از شهادت در کمیته نیروهای مسلح سنا، ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۲).

- [عراق] سلاح کشتار جمعی دارد و میدان جنگ به آمریکا منتقل شده است" (اظهارات رییس جمهور بوش در مجتمع OHS، ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۲).
- "خوب، من فکر می‌کنم که اطلاعات جدیدی

اظهارات را تایید کنند.

شکل دیگری از فشار بر جامعه اطلاعاتی در سال ۲۰۰۲ از سوی سیاست‌سازان وارد شده تا در قضاوت‌های خود بررسی مجدد و تجدید نظر کنند. مستندات این فشارها از چند منبع معتبر به دست آمده است.

مرور مستقل سیا در مورد عملکرد سازمان‌های اطلاعات آمریکا درباره عراق، توسط گروهی از تحلیلگران قبلی آن به سرپرستی ریچارد کر (Richard Kerr)، معاون سابق سازمان سیا، انجام شده است. در این گزارش آمده است: "فشار شدیدی برای تولید گزارش و تحلیل در مورد رابطه عراق با القاعده در دوره‌ای که به سوی جنگ هدایت می‌شدیم، وجود داشته تا مستندات بیابند که این ارتباط را تایید کند" (گزارش Kerr، جولای ۲۰۰۳).

کر (Kerr) تاکید می‌کند "بنون شک از طرف کاخ سفید، وزارت خارجه، وزارت دفاع، معاون رییس جمهور، ستاد مشترک و... فشارهای زیادی وارد می‌شد" که گزارش جدیدی بنویسند! این فشارها آن قدر تکرار می‌شد تا در نهایت آنچه می‌خواستند تهیه می‌شد.

آنچه کر یافته بود، توسط دومین منبع مستقل، مامور رسیدگی به تخلفات سیا، تایید شده است. این مامور به درخواست کسانی رسیدگی می کرده که از عملکرد سیا شکایت داشته‌اند. این مامور به کمیته سنا گفته است: "فشاری که از طرف کاخ سفید روی ماموران اطلاعاتی قضیه عراق اعمال می شد، در ۳۲ سال سابقه کار او در سیا بی سابقه بوده است."

انتشار نظرات جامعه اطلاعاتی در مورد سلاح کشتار جمعی و متعاقب آن، تصویب کنگره در مورد مجوز دادن به قوه مجریه برای حمله به عراق و بیانات علنی مسئولین کاخ سفید در راستای هدایت عملیات جنگی، کوبیدن بر طبل جنگ را اغراق آمیز و عجولانه افزایش داده است. ۲۲.۳ نظرات تکمیلی سناتور دیان فینستن (Dianne Feinstein)، عضو کمیته اطلاعات سنا

سخنان متعددی از سوی مسئولین اجرایی آمریکا، همراه با تحلیل های اطلاعاتی، اظهار شده که مبین تهدید جدی و آنی عراق برای منافع آمریکاست. من سه مورد از این اظهارات را در این جا می آورم: - بوش، در ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۲ در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل گفت: "همین حالا، عراق امکانات مربوط به تولید سلاح بیولوژیکی خود را توسعه و ارتقا می دهد." - بوش در سخنرانی ۷ اکتبر ۲۰۰۲ خود گفت: "ما می دانیم که رژیم عراق هزاران تن مواد شیمیایی، از جمله گاز خردل، سارین (گاز اعصاب) و VX (گاز اعصاب) تولید کرده است." - وزیر خارجه پاول، در ۵ فوریه ۲۰۰۳ در سخنرانی خود خطاب به شورای امنیت سازمان ملل گفت: "تخمین محافظه کارانه ما این است که امروزه عراق بین ۱۰۰ تا ۵۰۰ تن مواد سلاح شیمیایی دارد. این مواد آن قدر هستند که ۱۶۰۰۰ راکت جنگی را تغذیه کنند. حتی اگر کمترین آن، یعنی ۱۰۰ تن را در نظر بگیریم، این مقدار صدام حسین را قادر می سازد بیش از ۱۰۰ مایل مربع را آلوده کند چیزی بیش از ۵ برابر منهتن... کی می خواهیم بقیه این کوه یخ شناور را ببینیم؟ صدام حسین سلاح شیمیایی دارد. صدام حسین چنین سلاحی را به کار برده است و هیچ تردیدی در به کار بردن دوباره آن علیه همسایگان و مردم خود ندارد."

روشن است که هیچ برنامه هسته‌ای وجود نداشت. در اوت ۲۰۰۲ که سنا به دولت مجوز جنگ می داد، روزی را در وین و در مقر آژانس بین المللی انرژی

اتمی گذراندم. این آژانس که مسئولیت بازرسی تحولات هسته‌ای را بر عهده دارد، هیچ علامتی از برنامه هسته‌ای عراق مشاهده نکرده بود. آن‌ها مرا قانع کردند که عراق برنامه‌ای برای سلاح هسته‌ای ندارد. گزارش های اطلاعاتی مربوط به برنامه هسته‌ای احتمالی عراق درست نبود.

۲۳. جمع بندی گزارش شماره اول کمیته منتخب سنای آمریکا

۲۳.۱. نومحافظه کاران آمریکا در کاخ سفید وزارت دفاع، معاونت ریاست جمهوری و وزارت امور خارجه به هر دلیلی پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، تصمیم گرفته اند صدام حسین را سرتگون سازند. ۲۳.۲. به جامعه اطلاعاتی آمریکا مستقیم و غیرمستقیم، تلویحا و تصریحا فشار می آورده اند که گزارش و تحلیل های اطلاعاتی لازم را فراهم سازد تا حمله به عراق، عوام پسند شود.

۲۳.۳. پس از شکست عراق در حمله به کویت و تحریم ده ساله، عملا عراق توانایی قبلی را نداشته و پرونده سازی اطلاعاتی برای او ضرورت تام داشته است. در این پرونده سازی کمترین توجه به حقوق بشر صورت گرفته چیزی که صدام حسین بیش از هر مورد دیگری، درباره آن مرتکب جرم شده است.

۲۳.۴. علیرغم گزارش های بازرسان سازمان ملل در عدم یافتن سلاح کشتار جمعی در عراق، آمریکا، پرونده سازی بر علیه صدام را تکمیل و حمله را شروع کرد.

۲۳.۵. پس از عدم موفقیت آمریکا در اهداف اعلام شده، شک و تردید بخش دیگر هیات حاکمه آمریکا- دموکرات ها- و فشار افکار عمومی و روشنفکران آمریکایی، تحقیق در مورد منابع اطلاعاتی آمریکا -راحتی به ظاهر- ضروری ساخته است.

۲۳.۶. پس از سقوط صدام و اشغال عراق توسط آمریکا و متخاندنش و روشن شدن پرونده سازی، بوش اعلام کرد که "اشتباه کرده ام، ولی دروغ نگفتم." با گزارش کمیته منتخب سنای آمریکا، مشخص شد که تمامی نوکان های جنگ طلبه دروغ گفته اند و پرونده سازی کرده اند.

۲۴. گزارش دوم کمیته منتخب سنا، ارزیابی قبل از جنگ جامعه اطلاعاتی "در مورد وقایع بعد از جنگ در ۱۲ فوریه ۲۰۰۴ کمیته منتخب سنا موافقت کرد بررسی های خود را در مورد عراق ادامه دهد و در میان موارد متنوعی که وجود داشته تصمیم گرفت در مورد ارزیابی های اطلاعاتی قبل از

جنگ و وقایع بعد از آن، تحقیق کند.

۲۵. به ابتکار رییس سیا (DCI)، دو گزارش مطالعاتی در مورد عراق که حاوی ارزیابی شرایط بعد از جنگ هم باشند، تهیه شده اند. یکی از این مطالعات توسط گروه مطالعاتی کر (K&T) که از چهار مقام اطلاعاتی ارشد بازنشسته تشکیل شده بود، در دو فاز انجام شده است. این گروه، ارزیابی های سیا و شورای اطلاعاتی ملی (NIC) را که در خلال ۱۸ ماهه قبل از جنگ تهیه شده بودند، بررسی کرده است. فاز اول تا زمان شروع جنگ را ارزیابی کرده و فاز دوم که در ۲۰۰۴ منتشر شد، ارزیابی های فاز اول را با اطلاعات به دست آمده پس از جنگ مقایسه کرده است.

مطالعه دوم، گزارش رییس سیا در مورد درس های اطلاعاتی آموزنده "از حمله نظامی به عراق است که حمایت های جامعه اطلاعاتی را در کل، از تصمیم سازان سیاسی و نظامی، قبل از حمله و در دوران حمله به عراق به دست می دهد. ۲۶. در ژانویه ۲۰۰۳ شورای اطلاعات ملی (NIC)، دو گزارش با عنوان "ارزیابی جامعه اطلاعاتی" (ICA) که روی وقایع بعد از حمله به عراق متمرکز بوده اند، تهیه کرده و آن‌ها را در میان حدود ۸۰۰ نفر از مسئولان سیاست ساز رده بالای آمریکا و جامعه اطلاعاتی توزیع نموده است. این دو گزارش به درخواست مدیر برنامه ریزی وزارت امور خارجه و همکاری مسئول اطلاعات ملی در بخش خاور نزدیک و جنوب آسیا تهیه شده اند. گزارش اول ارزیابی جامعه اطلاعاتی، تحت عنوان "چالش های اصلی در عراق بعد از صدام"، چالش های میان مدت تا طولانی مدتی را که پس از صدام به وجود خواهند آمد مطالعه و ارزیابی کرده است. در گزارش دوم که تحت عنوان "عواقب منطقه‌ای تغییر رژیم عراق" تهیه شده به موضوع پیچیده منطقه‌ای اشغال عراق توسط آمریکا اختصاص یافته است. از این رو کمیته معتقد است ارزیابی این دو گزارش پایه‌ای، در مورد ارزیابی جامعه اطلاعاتی درباره وقایع بعد از جنگ در عراق است؛ به همین دلیل کمیته از رییس اطلاعات ملی خواسته است این دو سند را به طور کامل منتشر کند؛ این دو البته با حذفیاتی در گزارش کمیته سنا درج شده اند.

۲۷. عواقب منطقه‌ای تغییر رژیم عراق جامعه اطلاعاتی، "مهم ترین عواقب سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تغییر رژیم عراق در چارچوب شرایط کنونی خاورمیانه و جنوب آسیا، برای اطراف منطقه و یک دوره پنج ساله" را

تجزیه و تحلیل کرده است.

۲۸. چالش‌های اصلی در عراق بعد از صدام در ارزیابی گزارش دوم که در ژانویه ۲۰۰۳ در میان مقامات آمریکایی توزیع شده بود، دینامیسم درونی عراق که چالش‌ها را شکل خواهد داد تا همچون رژیم صدام حسین، حکومتی موفق به وجود آید، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

۲۹. نتایج

در دو گزارش فوق‌الذکر به نتایج زیر اشاره شده است:

۲۹.۱. دموکراسی

ارزیابی جامعه اطلاعاتی، ایجاد یک دموکراسی پایدار در عراق بعد از جنگ را "طولانی، مشکل و احتمالا با چالش‌هایی پرتلاطم ارزیابی کرده است علاوه بر این، پتانسیل بالقوه بازگشت به سنت خود کامه و استبدادی نیز وجود دارد." جامعه اطلاعاتی توجه داده است که فرهنگ سیاسی عراق "دموکراسی و لیبرالیسم را در خود پرورش نداده" و "جامعه را از پشتیبانی اجتماعی که مستقیما دموکراسی مشارکتی را تحقق دهد، محروم کرده است." و "وسیله عملی قانون دموکراتیک در کشوری بدون مفهوم اپوزیسیون صادق و بدون سابقه حکومت جایگزین، مشکل خواهد بود." جامعه اطلاعاتی، ضمن این که عوامل موثر برای ایجاد دموکراسی را برمی‌شمارد، از "مشارکت سیاسی نسبتا کم شیعیان عراق" و "عدم پذیرش" آن‌ها توسط ناسیونالیسم سکولار خود کامه سخن گفته است. گزارش اضافه می‌کند: "آزاد اپوزیسیون در تبعید معروف نبوده و فاقد توانایی‌های سیاسی و نظامی برای ایفای نقش رهبری پس از صدام است مگر این که با حمایت طولانی و موثر سیاسی، اقتصادی و نظامی خارجی تقویت شود."

۲۹.۲. تروریسم

جامعه اطلاعاتی ارزیابی کرده است که القاعده پس از جنگ فرصتی به دست خواهد آورد که شتاب عملیات خود را افزایش دهد و بر حملات تروریستی خود در خلال حمله آمریکا به عراق و پس از آن بیفزاید. در ژانویه ۲۰۰۳ و قبل از حمله آمریکا به عراق، جامعه اطلاعاتی آمریکا گفته است: "القاعده می‌کوشد از شرایط انتقالی عراق پس از حمله بهره‌برداری کند و همچون تجربه خود در افغانستان در خلال سال‌های گذشته عملیات حمله-فرار را علیه پرسنل آمریکایی به کار گیرد." طبق ارزیابی جامعه اطلاعاتی "بعضی از رزمندگان مسلمان ممکن است از افزایش

حمایت‌های مالی و اجتماعی استفاده کنند و علیه نیروهای آمریکا در عراق حملات تروریستی انجام دهند" و "اگر بغداد قادر نباشد کنترل سراسر عراق را به دست گیرد، القاعده و سایر گروه‌های تروریستی خواهند توانست عملیات خود را در نقاط دور دست نیز انجام دهند."

جامعه اطلاعاتی توجه داده است که "به کار گرفتن خشونت توسط گروه‌های رقیب عراقی علیه یکدیگر یا علیه آمریکا-سنی علیه شیعه، کرد علیه کرده، کرد علیه عرب و هر کدام علیه آمریکا-گروه‌های تروریستی را تشویق خواهد کرد تا از امنیت سوءاستفاده کنند و به داخل عراق حمله کنند." علاوه بر آن افراد فراری رژیم گذشته می‌توانند با گروه‌های تروریستی موجود متحد شوند و یا مستقلا جنگجو اجیر کنند و علیه حکومت جدید یا نیروهای ائتلاف وارد جنگ شوند. جامعه اطلاعاتی آمریکا پیش‌بینی کرده است که "پس از حمله آمریکا به عراق، حملات تروریستی افزایش می‌یابند و پس از یک جهش فوق‌العاده ابتدایی، ظرف سه تا پنج سال به تدریج افول می‌کنند،" ضمن این که القاعده با حمله آمریکا به عراق، حملات خود را تشدید خواهد کرد؛ اما با تحریک حمله آمریکا به عراق و ضدحمله القاعده و گروه‌های جهادی، خط فاصل بین القاعده و سایر گروه‌های تروریست در جهان، نامشخص خواهد شد و "شهروندان آمریکا اهداف تحریک‌آمیزی برای تروریست‌ها، حتی گروه‌های کم‌توان، خواهند بود." همچنین القاعده "خواهد کوشید از توجه آمریکا به جنگ عراق استفاده کند و حضور خود را در افغانستان تثبیت نماید."

۲۹.۳. تعارضات داخلی عراق

ارزیابی جامعه اطلاعاتی قبل از حمله به عراق این بوده است که عراق عمیقا یک جامعه تفکیک شده است و احتمالا درگیر تضادهای خشونت‌آمیز خواهد شد، مگر این که قدرت خارجی اشغالگر از بروز آن‌ها جلوگیری کند. "بین همراهان صدام و کسانی که در دوران او رنج برده‌اند، خصومت شدیدی به وجود خواهد آمد این خصومت سیاسی بسیار بیشتر از خصومت ناشی از نزاد و فرقه آن‌ها خواهد بود."

۲۹.۴. اسلام سیاسی

جامعه اطلاعاتی آمریکا ارزیابی می‌کند که اشغال عراق توسط آمریکا باعث ایجاد موج بزرگی از اسلام سیاسی خواهد شد. در ژانویه ۲۰۰۳ در ارزیابی جامعه اطلاعاتی آمده است که اشغال عراق عرب توسط آمریکا، هواداران اسلام سیاسی را افزایش خواهد

داد و باعث خواهد شد اسلام‌گرایان از مردم منطقه بخواهند که متحد شوند و بر علیه غرب مقاومت کنند. "جامعه اطلاعاتی نتیجه می‌گیرد که در بعضی از کشورها افزایش احساسات اسلامی سبب حمایت بیشتر از احزاب سیاسی اسلامی خواهد شد تا از طرق قانونی کسب قدرت کنند."

۲۹.۵. اثرگذاری همسایگان عراق

جامعه اطلاعاتی چنین ارزیابی می‌کند که "همسایگان موقعیت مناسبی برای نفوذ در عراق به دست خواهند آورد. این امر، با فعالیت‌هایی از قبیل کمک‌های انسانی گرفته تا به شورش واداشتن گروه‌های قومی و نژادی انجام خواهد گرفت." این همسایگان ضمن حفاظت از منافع خود، اهداف آمریکا را در دوران پس از صدام به چالش خواهند کشید.

ایران خواهد کوشید در شکل‌گیری عراق بعد از صدام موثر دخالت کند امنیت خود را تامین نماید و نشان دهد ایران در منطقه بازیگر مهمی است. گزارش جامعه اطلاعاتی آمریکا پیش‌بینی می‌کند که "میزان تمایل ایران به پیگیری چنین سیاستی و حمایت یا تخریب اهداف آمریکا به این بستگی دارد که تهران تهدید منافع خود و واکنش بالقوه آمریکا را چگونه ارزیابی کند." پیش‌بینی این گزارش اطلاعاتی در مورد ایران چنین ادامه پیدا می‌کند: اگر نقش ایران در سرنوشت عراق بعد از صدام با قراردادهایی تضمین شود، ممکن است ایران تشویق شود تأثیری علنی و سازنده در بازسازی عراق داشته باشد. این امر هنگامی تحقق خواهد یافت که "برای مسئولان ایرانی و آمریکایی مکانیسمی به وجود آید که برقراری ارتباط و دیالوگ بین آنان را تسهیل کند."

۲۹.۶. سلاح کشتار جمعی

جامعه اطلاعاتی آمریکا چنین ارزیابی می‌کند که "حمله نظامی به منظور حذف سلاح کشتار جمعی عراق، باعث نخواهد شد دولت‌های منطقه برنامه‌های سلاح کشتار جمعی خود را متوقف کنند یا چنین برنامه‌هایی را توسعه دهند." ارزیابی تصریح می‌کند کشورهای خاورمیانه و جنوب آسیه برنامه‌های سلاح کشتار جمعی خود را ادامه خواهند داد زیرا آن‌ها جزء اصلی و لازم امنیت ملی خود می‌دانند. "در این ارزیابی دلایل زیادی وجود دارد که بر اساس آن‌ها دولت‌های سایر مناطق نیز برنامه‌های سلاح کشتار جمعی خود را متوقف نخواهند کرد زیرا به "زنده ماندن در همسایگی‌های خطرناکه تقویت پرستیژ، جبران کمبود سلاح‌های

متعارف و جلوگیری از تهدید دشمنان" احتیاج دارند. باز هم تاکید می‌شود که "تولدها با این امید به سوی کسب توانایی تولید سلاح شیمیایی و یا سرعت بخشیدن به برنامه‌های در دست اجرا پیش خواهند رفت که توانایی جلوگیری از حمله دشمنان خود را قبل از تخریب پیش‌گیرانه داشته باشند".
۲۹.۷. امنیت

در ژانویه ۲۰۰۳ جامعه اطلاعاتی آمریکا شرایط امنیتی عراق را پس از صدام چنین ارزیابی می‌کند: اگر مسئولیت امنیت داخلی از یک نیروی اشغالگر به یک دولت عراقی منتقل شود، آن حکومت مجبور خواهد بود بر لبه تیغ حرکت کند: از بین بردن بدترین وجوه پلیس، نیروهای امنیتی و اطلاعاتی صدام و حفظ ظرفیت آن‌ها برای امنیت ملی. این گزارش روشن می‌کند که ارتش رسمی عراق در رده‌هایی پایین‌تر از سطح فرماندهی غیر سیاسی هستند می‌توان از تصفیه مسئولین امنیتی و اطلاعاتی تا ایجاد نیروهای پلیس و ژاندارمری، به عنوان امنیت و اعمال قانون استفاده کرد. لازم است نیروهای پلیس و امنیتی در دراز مدت بازسازی شوند، به شرط آن که اطمینان مردم عراق را جلب نمایند و از رفتاری همانند دوران صدام اجتناب کنند.
۲۹.۸. نفت

بنا بر ارزیابی جامعه اطلاعاتی آمریکا، بازسازی اقتصادی با منابع عظیم نفت عراق، نسبت به تحولات سیاسی چالش کمتری خواهد داشت هر چند پس از جنگ عراق با چالش‌های اقتصادی مهمی روبرو خواهد شد. این ارزیابی پیش‌بینی می‌کند که اگر تجهیزات نفتی عراق در جنگ صدمه نیند، بغداد می‌تواند ظرف چند ماه تولید نفت را از ۲/۴ میلیون بشکه در روز به ۲/۱ میلیون بشکه افزایش دهد. جامعه اطلاعاتی تصریح می‌کند در حالی که عراق می‌تواند با منابع نفتی خود به بازسازی اقتصادی بپردازد، در زمینه انتقال سیاسی از این منبع بومی برخوردار نخواهد بود.

۲۹.۹. پیامدهای انسانی
جامعه اطلاعاتی آمریکا در ژانویه ۲۰۰۳ ارزیابی کرده است که مبارزه طولانی برای حذف صدام و استقرار یک رژیم جدید، سبب مهاجرت و جابجایی افراد زیادی در داخل کشور خواهد شد و توزیع مواد غذایی و خدمات بهداشتی را مختل خواهد کرد. گزارش جامعه اطلاعاتی پیش‌بینی می‌کند تمرکز عملیات نظامی بر شهر بغداد سبب جابجایی ۹۰۰ هزار نفر در داخل و ۱/۴۵ میلیون مهاجر خواهد

شد. بر این اساس توزیع جمعیت در عراق شدیداً به چگونگی عقلانیت حکومت در این توزیع و امنیت فروشگاه‌های بزرگ دولتی توزیع‌کننده مواد غذایی پس از جنگ و سیستم توزیع مواد غذایی ارتباط خواهد داشت. تا به این وسیله بتوان از بحران گرسنگی جلوگیری کرد. شرایط مراقبت‌های پزشکی احتمالاً با جنگ و گسترش کشمکش‌های داخلی به طوری جدی صدمه خواهند دید.

۲۹.۱۰. زیرساخت‌ها
طبق ارزیابی جامعه اطلاعاتی آمریکا حکومت جدید برای بازسازی آب و فاضلاب عراق احتیاج به کمک جدی خارجی خواهد داشت. این گزارش پیش‌بینی می‌کند که خدمات پایه‌ای، مانند الکتریسیته و آب بهداشتی به کمتر از تقاضای نصف جمعیت قبل از جنگ خواهد رسید. ارزیابی اطلاعاتی می‌گوید: مشکلات ارائه خدماتی چون آب و برق بعد از جنگ به حد تخریب آن‌ها در درگیری‌های شهری بستگی خواهد داشت.

۳۰. ارزیابی و نتیجه‌گیری از گزارش‌های کمیته منتخب سنای آمریکا
۳۰.۱. هر دو گزارش مفصل "کمیته منتخب سنا" تصریح کرده‌اند گزارشگران و تحلیلگران جامعه اطلاعاتی آمریکا، شرایط عراق را با تقریب بسیار خوبی می‌شناخته‌اند در گزارش اول آمده است اتهامات بوش به صدام که بهانه حمله آمریکا و اشغال عراق بوده‌اند به جز عدم رعایت حقوق بشر از طرف صدام که اتفاقاً بر خلاف تبلیغات وسیع آمریکا، مورد توجه مقامات اطلاعاتی این کشور هم نبوده است غیرواقعی و نادرست بوده‌اند. در گزارش دوم "کمیته منتخب سنا" هم پیش‌بینی گزارش‌ها و تحلیل‌های اطلاعاتی آمریکا، قبل از حمله به عراق، بسیار نزدیک به واقعیت‌های عینی پس از حمله بوده‌اند. حال این سوال پیش می‌آید که آمریکا با چه مکانیسمی به عراق حمله کرده است.
۳۰.۲. واقعیت این است که نئوکان‌های آمریکا، ابتدا تصمیم به اشغال عراق گرفتند و سپس، به ارائه دلیل پرداختند؛ امروز معلوم شده است این بهانه‌ها نادرست بوده‌اند.

تصمیم‌گیران آمریکایی می‌دانسته‌اند نادرستی این بهانه‌ها، روزی عیان خواهد شد و امکان فرار از تخلف و خطا برایشان فراهم نخواهد بود.
۳۰.۳. تصمیم نئوکان‌ها، علی‌القاعده نمی‌توانسته است چنان‌که تصمیم مجموعه هیات حاکمه آمریکا در مورد منطقه باشد. آمریکا در سال ۱۹۳۰ منطقه

خلیج فارس را "منطقه منافع ملی" خود تعریف کرده است و همه اقدامات پس از آن، مانند تشکیل پاکستان و اسرائیل، کودتا بر علیه دولت ملی مصدق و... در راستای این تعریف بوده‌اند.
۳۰.۴. ساخت سفارت آمریکا در بغداد با وسعت ۴۲ هکتار و ۳۸۰۰ نفر پرسنل، قانون پیشنهادهای نفت عراق و خصوصی کردن این صنعت، اظهارات گیتس، وزیر دفاع، مبنی بر آن که "توقف آمریکا در عراق مانند توقف ما در کره جنوبی خواهد بود"، پایگاه‌های نظامی متعدد و متنوعی که آمریکایی‌ها در عراق می‌سازند و صدها اظهار نظر مشابه این‌ها توسط مسئولان آمریکایی، نشان می‌دهد سرنگونی صدام و اشغال کویت برای ایجاد دموکراسی نبوده است.
۳۰.۵. نفت خاورمیانه و برخورد تمدن‌ها، دو عامل مهمی هستند که به ترتیب توجه آمریکا را از سال ۱۹۳۰ و سپس ۱۹۷۹ و انقلاب ایران و مشخصاً از ۱۹۹۰ (فروپاشی شوروی) به خاورمیانه معطوف کرده‌اند. آمریکا در دهه ۱۹۵۰ تا نیمه ۱۹۷۰ جنوب شرقی آسیا- بویژه ویتنام و کامبوج- را به سرزمین سوخته تبدیل کرد و از دهه ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ آمریکایی‌ها لاین را با روش‌های نظامی و اقتصادی، با بحران‌های غیر قابل حل روبرو ساخت؛ امروز نوبت خاورمیانه است.
۳۰.۶. رشد جمعیت جهان و توسعه اقتصادی دو کشور پر جمعیت چین و هند در آینده منافع جهان سرمایه‌داری به رهبری امپراطوری آمریکا را به خطر خواهد انداخت. برخورد تمدن‌ها، قطعه پس از خاورمیانه راهی شرق آسیا خواهد شد ولی خاورمیانه امروز حلقه‌ای ضعیف محسوب می‌شود. جمعیت این منطقه باید کم شود و کنترل انرژی باید به طور کامل در دست امپراطور قرار گیرد. حملات ماه‌های اخیر نیروهای ناتو به مردم عادی افغانستان و تروریسم موجود در عراق، در راستای اهداف دراز مدت آمریکاست؛ خاورمیانه باید دوران طولانی کشت و کشتار را پشت سرگذارد تا کاملاً در چارچوب منافع آمریکا تعریف شود.
۳۰.۷. هیات حاکمه آمریکا باید بدانند راه مقابله با تصرف ایران توسط امپراطوری، "تصرف" افکار عمومی جهان که بزرگ‌تر و قوی‌تر از امپراطوری است می‌باشد. این تصرف با توسعه دموکراسی، آزادی‌های مدنی و حقوق بشر مقذور می‌شود. وحدت ملت- دولت از کانال تأمین حقوق اجتماعی احاد جمعیت، خاصه نخبگان می‌گذرد؛ امید که به هوش باشند.